



● **چه عاملی شما را به موضوعات شهری علاقه‌مند کرده که مجموعه تابلوهای کوچه‌ها حاصل آن شده است؟**

فکر می‌کنم دو عامل نقش داشته است. یکی اینکه من به طور کل از همان اول که نقاشی کردم موضوعات کارم چیزهای دور و برم بود. اول اتاقم، بعد متلا حیات خانه و بعد هم یک قدم آدمم بیرون و شد این کوچه‌ها. یا مثلا ایستگاه‌های راه آهن که بخشی از دوران بچگی را آنجا گذراندم. مسورد دوم هم از علایق مطالعاتی وارد شد. یعنی موضوعات اجتماعی و شهری به طور کل در گبری ذهنی همیشگی‌ام بوده است. رابطه بین سازه‌ها و فضاهای شهری و ذهنیت انسان. به ویژه اینجا رابطه این فضاهای شهری حاشیه نشین و تأثیرات ذهنی و روانی آن بر مردم. البته خب این بحث مفصلی است...

● **اشاره کردید به رابطه بین سازه‌ها و فضاهای شهری و ذهنیت انسانی، اینها را متاثر از هم می‌دانید، این آشنفتگی سازه‌ها و به هم ریختگی، امتدادش به کجا ختم می‌شود؟**

می‌شود از منظرهای مختلفی نگاه کرد. از منظر جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و علوم دیگر، سال‌هاست که این تأثیرات مطالعه می‌شود. امروزه کاملا آشکار شده است که هیچ چیز به اندازه مکان و فضای زیست انسانی بر ذهن و روان‌اش تأثیر ندارد. بدیهی است که این آشنفتگی به هانهجاری خانوادگی و روان‌پریشی و آسیب‌های اجتماعی بزرگی منتهی می‌شود.

البته باز هم باید بگویم که هنرمند متخصص این مسائل نیست و کار هنری هم قرار نیست مطالعه این مسائل باشد. هنرمند جامعه‌شناس یا روانشناس نیست. کار نقاش یا هنرمند به قول کامسو قضاوت کردن نیست نشان دادن است. هنرمند فقط شاهد است.

● **آیا کوچه‌های قزوین خصوصیتی دارند که برای ثبت بر بوم نقاشی انتخاب شده‌اند؟**

گفت و گو

چاپ: سیمرغ

آدرس: قزوین، خیابان آیت اله کاشانی (باغ دبیر)، کوچه آزاد، پلاک ۲، هفته نامه پیام شهر.

شماره تماس: ۳۳۳۱۲۴۱

وب سایت: payameshahr.qazvin.ir payamshahr98@gmail.com **پست الکترونیکی:**

■ استفاده از مطالب و عکس‌های نشریه با ذکر منابع آزاد است.

گفت‌و گوی پیام شهر با مهدی چیت‌سازها، نقاش و پژوهشگر هنر؛

کوچه‌ها نشان تغییرات شهری است

لچندی پیش نمایشگاهی در گالری اُ تهران بر گزار شد با عنوان «کوچه‌ها»؛ نقاش این تابلوها مهدی چیت‌سازهاست. هنرمند و پژوهشگر قزوینی که روایتی از حال و هوای کوچه‌ها و رد گذر زمان‌ها را بر تابلوها نشان داده است. کوچه‌ها را زوارگی با خود دارند که به آنها هویتی منحصر به فرد داده و می‌توان آن را حاصل تاملات نقاش بر شهر و شهرنشینی و تغییرات توسعه ناموزون دانست. شاید بتوان از منظر تأثیر محیط بر انسان و اثر انسان بر محیط به مجموعه کوچه‌ها نگریست؛ ولی حاصل کار این هنرمند قزوینی، چشم‌اندازی زیبا از کوچه‌های قزوین و سایر شهرهای ایران را پیش چشم بیننده تصویر می‌کند و این مهم‌ترین نکته است؛ معجزه زیبایی.

مهدی چیت‌سازها، فارغ التحصیل دانشگاه هنرهای زیباست، سال‌ها است به تدریس در دانشگاه‌های مختلف اشتغال دارد، داور اکسپو و جشنواره‌های نقاشی بوده، کارگردان فیلم کوتاه است، در زمینه‌های پژوهشی نگارش مقاله و سخنرانی دست‌اوردهای شاخصی دارد که اکثرا بر هنر مدرن متمرکز است. این گفت‌گو در خصوص نمایشگاه کوچه‌هاست.

فاطمه شریف نژاد

راستش اینها فقط کوچه‌های قزوین نیستند. این کوچه‌ها از شیراز و بوشهر و گرگان و تهران و رشت هم است. خیلی‌ها هم اصلا وجود خارجی ندارند. یعنی من خودم ساختم. با کنار هم قرار دادن اجزای کوچه‌ها.

اما به طور کل بله کوچه‌های جنوب شهر قزوین با آن به هم ریختگی حاصل از توسعه مدرن در یک بافت سنتی، به این کوچه‌ها فرم خاصی داده که با رویکرد من همخوان‌تر است. مثلا من در جاهای دیگر کمتر به کوچه‌های سرپایینی با شیب تند برخوردم. این نوع کوچه‌ها در قزوین به نظم بیشتر بود و این برای من به دلایل مختلف اهمیت زیادی داشت.

● **بافت قدیمی با معماری سنتی حجم بیشتری از تابلوها را به خود اختصاص داده آیا این رویکردی برای ثبت این محلات است که به شکلی هویت قزوین کهن را نشان می‌دهد؟ چه محلاتی، نگاه و گرایش شما را برای خلق تابلوی نقاشی جذب می‌کنند؟**

نه اصلا. در این کوچه‌ها بافت سنتی نه اولویت

قدم بردارند.



مختصات انسانی که در راهپیمائی و طی این سفر با هدف یافتن نابین زبارت حس کرده خیلی متفاوت بود از آن چیزی که در ابتدا به دنبالش بودم و همین مسئله من را به نگاه متفاوتی رساند که نزدیک به مسأله هجرت بود؛ البته یک هجرت درونی، هر سفری یک آغاز مشخص دارد و یک مقصد معین و مسافر در مقصد دیگر آن آدم ابتدای سفر نیست و در روحيات، جهان‌بینی و حتی خلقیاتش تغییرات جدی ایجاد شده، چیزی که ما در این سفر به آن رسیدیم درک معنی هجرت بود، نه به خاطر طی مسیر و رسیدن از یک نقطه به نقطه دیگر بلکه این حرکت در درون خود ما اتفاق افتاد اینکه می‌گویم ما یعنی هم من فیلساز و هم آدمایی که جیسمشان در سفر نبود ولی گام‌به‌گام با من و نابینشان حرکت کردند.

● **آین‌ها و سنت‌هایی که حول محور اربعین شکل گرفته‌اند اهمیت داشته یا ثبت این واقعه به عنوان رویدادی در جامعه شیعه و مسلمان؟**
اینکه مستند«کنار قدم‌های جابر» بر آیین‌ها و سنت‌ها تأکید داشت یا بر روایت حادثه کربلا فکر می‌کنم که روایت نهضت امام بار سنگین‌تری داشت؛ چون آیین‌ها با وجود جذابیت‌ها عمدتا جهان‌شمول نیستند و در حوزه جغرافیایی و انسانی که اجرا می‌شوند مورد پسند و توجه هستند و حتی می‌شود گفت در حوزه خودشان درک بهتری از آنها صورت می‌گیرد؛ اما راه و هدف و روایت

هفته نامه اطلاع رسانی شهرداری قزوین

صاحب امتیاز: شهرداری قزوین
مدیرمستول: عادلہ مهرابی
سردبیر: مریم جواهران

صفحه آرایی و گرافیکند: محمد (مرتضی) ماعلیا

پیام شهر قزوین

پنج شنبه اول مهرماه ۱۴۰۰ | ۱۶ صفر ۱۴۴۳ | شماره ۳۷۰

هنر



غایت نیست. در نقاشی رابطه‌ای ظریف بین واقعیت و مفاهیم زیبایی‌شناسانه وجود دارد که هر نقاش با توجه به دیدگاه و درک و دریافتش تلاش می‌کند تا بپوندی بین آنها ایجاد کند. برای من هم کوچه‌ها از یک سو واقعی عینی و اجتماعی است واز سوی دیگر واقعیتی ذهنی و زیبایی‌شناسانه. بنابراین این کوچه‌ها از یک سو بخشی از سازه‌های شهری ایران‌اند و از سوی دیگر مفهومی زیستی و سازه‌ای زیبایی‌شناسانه که باید پیوندی بین آنها ایجاد کنم. بنابراین دخل و تصرف در واقعیت همواره ابزاری ضروری و موثر در رسیدن به آفرینش جهان‌نراست.

حضور شهر قزوین در هنر نقاشی معاصر را چطور ارزیابی می‌کنید؟

خود شهر که عملا حضوری ندارد. منظورم این است مثلا نه گالری دارد نه بر گزار کننده جشنواره‌ی ملی است ونه موضوع کار؛ اما هنرمندان قزوین کم و بیش به اندازه بضاعتی که یک شهر نه چندان بزرگ داراست، حضور خوبی دارند. البته در دوران جدید کمتر هنرمندان در زادگاه خودشان می‌مانند. به همین دلیل همه اتفاق‌های هنری عمدتا در پایتخت است. از این منظر فرقی بین شهرها نیست...



راهنمای ادبیات معاصر قزوین– موسسه فرهنگی هنری خانه کتاب به آفرید

است که معتقدم ما هم پس از قرن‌ها مانند حضرت زینب(س) در کربلا و در راه رسیدن به کربلا چیزی ندیدیم جز زیبایی.

● **تجربه حضور در این راهپیمایی چه بازخوردهای تصویری داشت؟ آیا این بازخوردها در این مستند استفاده شده است؟**
اگر منظورتان از بازخورد این است که بعد از تصویربرداری اولیه تا تدوین و ارائه نسخه نهایی بازخوردهایی دریافت کردم که بر کار اثر بگذارد (امام حسین(ع) و در نهایت جهان ذهنی فیلساز) تعریف می‌شود، محدود هم خواهد بود. اینکه به هدف رسیدیم یا نه را نمی‌توانم خودم قضاوت کنم؛ ولی در اینکه بر بخش‌های جهان‌شمول‌تر این واقعه تأکید داشتیم را مطمئنم تا بتوانیم حرفی را بزنیسم که تعداد بیشتری از آدم‌ها را به عنوان شنونده خودش انتخاب کند. معتقدم که در عصر جدید علاوه بر اینکه مخاطب می‌تواند آثاری که کرده و مطمئن نیستم من هم به هنر کمک کرده باشم یا نه تأییدش را در همین سوال شما و پاسخم می‌توان یافت. نظرات و بازخوردها حول اثر هم به لحاظ انسانی هم به لحاظ اعتقادی و هم به عنوان کسی که دوست دارم باز هم فیلم بسازم کمک زیادی به خودم کرد که اگر عمری باشد و فیلم دیگری، شاید بتوان اثرش را یافت.

● **رویکردتان بیشتر بر کدام وجه راهپیمایی بوده، حضور گسترده، خرده فرهنگ‌ها، یا ارتباطاتی که در این مناسک شکل می‌گیرد؟**

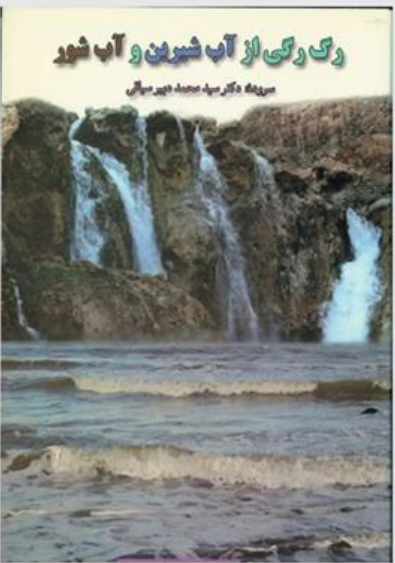
حدیث غدیر

پیامبر اکرم(ص):

شیطان پیوسته از فرزندان آدم در وحشت و هراس است تا آنگاه که نمازهایش را به دقت و با شرایط و آداب می‌خواند. پس اگر نماز را ضایع نموده (و در وقت مقرر آن به جا نیاورد)، شیطان بر او چیره می‌شود و او را در گناهان کبیره می‌اندازد و وی را گرفتارمی‌کند.

(بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۰۲)

شهر کتاب



رنگ‌رنگی از آب شیرین و آب شور

سید محمد دبیرسیاقی

انتشارات حدیث امروز– چاپ اول ۱۳۸۸–شمارگان: ۱۰۰۰–انسخه–۱۵۳صفحه

دفتر اشعاری از دکتر دبیرسیاقی، شاگرد نامدار علامه دهمدخا و استاد دانشگاه با مقدمه‌ای فاضلانه از میراحمد طباطبایی شامل ۳۳ قطعه شعر که عمدتا قصیده و مثنوی و با زبان فاخر و فحیم سروده شده؛ اما قطعاتی همچون از یادگار صبح و شام، سه گل در باغچه، صبح عید، حماسهٔ صحرا، مرگ برگ و چشم مبین در قالب چارپاره(دوبیتی‌های پیوسته) است؛ ضمن آنکه قطعه مثنوی ((بر مرگ پرویز)) در رثای دکتر پرویز ناتل خانلری از قطعات جالب توجه این مجموعه شعر است. کاربرد آرکائیک زبان، تشبیهات و استعارات دیر آشنا در جای‌جای این دفتر به چشم می‌خورد. از نکات مورد ذکر در این کتاب، بخش دوم آن است که استاد دبیرسیاقی، پنجاه قطعه از عیبید زاکانی را غالبا در قالب مثنوی کوتاه، به نظم درآورده و ارائه کرده است. آثاری که مخاطب امروزی کمتر با آن آشنایی دارد. قدیمی‌ترین شعر این کتاب، مثنوی برز زگر و شاعر، سروده سال ۱۳۱۹ و آخرین قطعه متعلق به سال ۱۳۸۱ است. به عبارت دیگر، این ۳۳ سروده یادگار بیش از ۷۰ سال کار ادبی مانا یاد دکتر دبیرسیاقی محسوب می‌شود.

راهنمای ادبیات معاصر قزوین– موسسه فرهنگی هنری خانه کتاب به آفرید

بر همه این عناصر که گفتیم ما تأکید داشتیم هم بر حضور گسترده هم خرده فرهنگ‌ها و هم ارتباطاتی که شکل می‌گیرد که اتفاقا اینها لازم و ملزوم یکدیگر هم هستند و به زیبایی این رخداد خیلی کمک می‌کنند.

در خصوص حضور گسترده واقعا به قدری این حرکت هم به لحاظ نمادین و هم به لحاظ انسانی و هم حماسی زیباست که هم جعری که گفتم اتفاق می‌افتد و هم خونتان به عنوان یک انسان توحیدی به جوش می‌آید و اینها همه از ره‌آورد همین حضور گسترده است. پس نمی‌توان راحت از کنارش گذشت. در کنار آن به هر کسی که در مسیر مرسی تلاشش را می‌بینی تا آیین‌ها و سنت‌های منطقه جغرافیایی و انسانی خودش را به نمایش بگذارد پس تردیدی نیست نمایش آنها بر زیبایی کار خواهد افزود هم از منظر نمادشناسی هم به لحاظ زیبایی‌شناسی رهم به لحاظ تکرر فرهنگی. اتفاقا شکل‌گیری ارتباط میان آدم‌های مختلف از ره‌آورد همین به نمایش گذاشتن آیین‌ها و سنت‌ها شکل می‌گیرد. بسیار زیباست دیدن همراهی و هم صحبتی آدم‌هایی که حتی زبان هم را نمی‌دانند ولی ساعت‌ها کنار هم قدم می‌زنند و با هم ارتباط برقرار می‌کنند و جالب‌تر اینکه با هم گفت‌وگو می‌کنند، گفت‌وگو شاید نیاز امروز انسان‌ها باشد، گفت‌وگو با زبان‌های متفاوت برای رسیدن به درک مشترک و احترام به یکدیگر.